روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۹۴۲۰۳۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

یکشنبه • ۲۴ فروردین ۱۳۹۹ • ۱۸ شعبان ۱۴۴۱ • ۱۲ آوریل ۲۰۲۰ • سال هفدهم • شماره ۳۶۹۲ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۱۹:۵۴ • اذان صبح فردا ۵:۰۶ • طلوع آفتاب ۶:۳۴

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

زیر آسمان

بحران کرونا و وظیفه انسان خردمند

زهرا عمرانی*

● چندوقت پیش که کرونا هنوز جدی گرفته نمی‌شد، با مدیرعامل یک مؤسسه نیکوکاری که به کودکان کار و خیابان آموزش می‌دهند، صحبت می‌کردم. می‌گفت: «در کار ما، دورکاری چندان معنا ندارد. چون بچه‌ها و خانواده‌هایی که ما برایشان کار می‌کنیم نمی‌توانند گوشی هوشمند و تبلت بخرند. در نتیجه چاره‌ای جز تعطیلی کلاس‌های درس حضوری نداریم. از طرفی این بچه‌ها اکثرا بیمه نیستند و هزینه درمان برایشان کمرشکن است». با بحث و گفت‌وگوی بسیار در هیئت‌مدیره به این نتیجه رسیدند که با توجه به ارجحیت مسئله سلامت و زندگی نسبت به آموزش، در این دوران تا می‌توانند مراقبت کنند که این کودکان و خانواده‌هایشان گرفتار بیماری نشوند. چند روز پیش هم مدیر مؤسسه دیگری که به کودکان دارای معلولیت ذهنی و حرکتی، خدمات فیزیوتراپی و تجهیزات کمکی می‌دهند، از خراسان جنوبی تماس گرفته و به دنبال دستگاه اکسیژن برای کودکان مؤسسه بود. دستگاه قبلی ایراد پیدا کرده و در کل استان نتوانسته‌اند دستگاه جدیدی پیدا کنند. هم‌زمان با این گزارش‌ها و بسیاری موارد دیگر که در جهان مخابره می‌شود، سازمان جهانی بهداشت می‌گوید، در طول تاریخ معاصر و در ۲۰۰ سال گذشته، اکنون اولین‌بار است که معیشت و حیات مقابل هم قرار گرفته‌اند. مدیریت بحران و تصمیم‌های دولت‌ها و قدرت‌ها، در انتخاب استراتژی و مسیر، در حفظ جان افراد و معیشت و سلامت آدم‌ها بسیار تعیین‌کننده است، اما در دنیای مدرن معاصر، نقش‌آفرینان دیگری - مانند مؤسسات نیکوکاری و سازمان‌های مردم‌نهاد - در زمینه حل مسائل اجتماعی و بحران‌های مقطعی تأثیرگذار بوده و هستند. در ایران هم مانند جهان، در دهه‌های گذشته، این مؤسسات با خدمت‌رسانی به اقشار محروم و کم‌برخوردار، کوشیده‌اند تا باری از معضلات و مشکلات کشور را برداشته و در حل بحران‌ها و پیشگیری از وقوع بحران‌ها بکوشند. بسیاری از این مؤسسات، در خدمت‌رسانی به جامعه هدفی که انتخاب کرده‌اند، پیشتاز بوده و با تدابیری که در زمینه گزارش‌دهی و اطلاع‌رسانی در مورد فعالیت‌های خود به کار برده‌اند، اعتماد نیکوکاران و جامعه را جلب کرده‌اند. تجربه سال‌های اخیر مانند زلزله‌ها و سیل‌ها نشان داده که در مواجهه با بحران‌ها و حوادث غیرمترقبه، حجم زیادی از کمک‌های مردمی به سمت سازمان‌های کمک‌رسان غیردولتی سرازیر می‌شود. بحران سلامت کرونا که امروز ما و جهان درگیر آن هستیم نیز مستثنا از این نبوده و نیست. استقبال جامعه از پویش‌های متعددی که در این زمینه شکل گرفته است، نشان از بالابودن فرهنگ نیکوکاری دارد. درحال‌حاضر جهت‌گیری مؤسسات نیکوکاری در برابر کرونا، به سه دسته کلی قابل تقسیم است؛ اول مؤسسات کمک‌رسانی که مأموریت خود را «خدمت‌رسانی در شرایط بحران» تعریف کرده‌اند و طبیعتا درحال‌حاضر نیز تمرکز خود را بر اطلاع‌رسانی درخصوص کرونا، تهیه ملزومات بهداشتی برای کادر درمان و اقشار آسیب‌پذیر گذاشته‌اند. دوم مؤسساتی که در کنار حوزه فعالیت خود، بخش جدیدی برای «کمک» به بحران باز کرده و به تنهایی یا در همکاری با مؤسسات دیگر، در حوزه کرونا نیز فعالیت می‌کنند. گروه سوم، مؤسساتی مانند دو نمونه‌ای هستند که در بالا ذکر شد. این مؤسسات همچنان در مسیر مأموریت خود حرکت کرده و بر خدمت‌رسانی به گروه مخاطب خود متمرکز هستند. البته این گروه هم عمدتا به فرهنگ‌سازی، اطلاع‌رسانی و توزیع اقلام بهداشتی میان گروه هدف خود وارد شده‌اند. فارغ از اینکه این مؤسسات در کدام دسته قرار دارند، همه آنها در رابطه با ادامه فعالیت‌های خود با چند چالش عمده مواجه هستند. یکی شرایط دورکاری و فاصله‌گذاری اجتماعی است که سبب شده این مؤسسات هم مانند بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ در ارائه خدمت اصلی خود با چالش مواجه شوند؛ به‌طورمثال کلاس‌های آموزشی برای کودکان کار و خیابان تعطیل شده یا امکان سفر تسهیل‌گران به مناطق حاشیه‌نشین متوقف شده است. دیگر اینکه بسیاری از خطوط درآمدی این مؤسسات، مانند بازارچه‌های شب عید و «قلک»ها تحت‌تاثیر شرایط موجود متوقف شده و روش‌های پیشین برای تأمین مالی دیگر جوابگو نیست. دیگر اینکه میزان کمک‌های نیکوکاران حقیقی و حقوقی متأثر از شرایط پرابهام اقتصادی، کاهش یافته و در نهایت اینکه بخشی از کمک‌های مردمی، به سمت فعالیت‌هایی که ارتباط مستقیم با کرونا دارند، تغییر جهت داده است. حالا ما به‌عنوان جامعه و نیکوکار در تعیین مسیر حرکت این مؤسسات و صدالبته تضمین بقا و خدمت‌رسانی آنان، تعیین‌کننده هستیم. حواسمان باشد در کنار مسئله پردردسر کرونا، کودکان کار و خیابان، کودکان دارای معلولیت ذهنی و حرکتی، زنان سرپرست خانوار، دانش‌آموزان بااستعداد کم‌برخوردار و دیگران نیازمندتر از پیش به حمایت‌های ما احتیاج دارند. حواسمان باشد در این روزهای قرنطینه، هر روز افرادی داوطلبانه به سر کار می‌روند تا در مؤسسات نیکوکاری به سالمندان، کودکان سرطانی و کودکان بی‌سرپرست خدمت‌رسانی کنند. ما و جامعه به این خدمات نیاز داریم و کمک‌های ما در ادامه این خدمات تعیین‌کننده است. بحران کرونا مانند هر بحران مصیبت‌زای دیگری آغاز و پایانی دارد. این وظیفه انسان خردمند است که بعد از بحران را در نظر بگیرد و به شرایط زندگی انسان‌های آینده بیندیشد.

*مدیرعامل مؤسسه افرا (توسعه زیرساخت نیکوکاری)

کارتون خواب

آنجل بولیگان

تلنگر

ما را در «خانه» چه می‌شود؟

سیدحسن موسوی‌چلک*

تأملی بر گذشته نشان می‌دهد انسان‌ها در طول تاریخ بحران‌های مختلفی را از قبیل: سیاسی، اقتصادی، نظامی، طبیعی و غیرطبیعی، بهداشتی، اجتماعی و... تجربه کرده‌اند. یکی از تجربه‌های سخت جامعه جهانی در این شرایط به بحران کرونا برمی‌گردد که جهان درگیر آن شده است؛ بحرانی که از ابعاد مختلف تأثیرش را در جهان گذاشته است و آثار ماندگارترش به دوران پساکرونا برمی‌گردد که در این یادداشت قصد ندارم به این موضوع بپردازم. با توجه به نحوه شیوع و انتقال کرونا در جامعه یکی از مهم‌ترین استراتژی‌ها در کشورهای مختلف «ماندن مردم در خانه» بود تا از این طریق ضمن رعایت بهداشت فردی، بتوانند برای مدیریت بهداشت محیط‌های بیرون خانه هم تدابیری اتخاذ کنند. در این زمینه «کمپین در خانه بمانیم» راه‌اندازی شد. با توجه به ترسی که از این ویروس کرونا در جامعه افتاده بود، تعداد قابل توجهی از مردم در خانه ماندند. در ایران با توجه به هم‌زمانی این بحران با عید نوروز که یک زمان تاریخی و خاص برای ایران است و سفر و دید و بازدید دوستان و اقوام و... جایگاهی ویژه دارد چون کمی از فشارهای کاری یک‌ساله در این زمان کم می‌شود و اکثر مردم در این مدت کوتاه تعطیلات به‌اصطلاح «خوش» هستند، کرونا نگذاشت آثار مثبت این تعطیلی در زندگی مردم خود را نشان دهد. تعطیلی طولانی‌مدت مدارس و دانشگاه‌ها و کسب‌وکار و... هم موجب شد ماندن همه اعضای خانواده در کنار هم خیلی طولانی شود و در واقع تجربه جدیدی را بسیاری از خانواده‌ها کنار هم داشته باشند؛ تجربه‌ای که آمارها نشان می‌دهد عوارض اجتماعی و روانی ناخوشایندی داشته باشد و آن افزایش خشونت‌ها و اختلافات و تعارضات درون خانه‌ها بود. بر اساس نظرسنجی‌ای که مرکز افکارسنجی دانشجویان (ایسپا) جهاد دانشگاهی کشور به سفارش معاونت امور فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران از تاریخ ۱۶ لغایت ۱۹ فروردین سال ۱۳۹۹ انجام داده است، نشان می‌دهد «حال خانواده‌ها خوب نیست». بر اساس یافته‌های این نظرسنجی در ۱۶ درصد از خانوارهای تهرانی تنش خانوادگی به سبب ماندن در خانه افزایش یافته است. همچنین یافته‌های دیگر این نظرسنجی گویای این است که در ۵۸ درصد این خانواده‌ها تنش میان زن و شوهر افزایش داشته و ۴۶ درصد هم افزایش تنش میان والدین با فرزندان را تجربه کردند. تأملی ساده بر این یافته‌ها در کنار اطلاعات دیگری که از سوی مسئولان و کارشناسان سازمان‌های مختلف ارائه شده است، نشان می‌دهد خانواده که باید محلی برای کانون آرامش باشد (حداقل یکی از کارکردهایش این می‌تواند باشد) تبدیل به کانونی برای ایجاد تنش شده است. به عبارت دیگر، بسیاری از خانواده‌های ما «تاب‌آور» نیستند. قبل از بحران کرونا چون زمان حضور مشترک طولانی‌مدت همه اعضای خانواده در کنار هم در یک روز به دلیل اشتغال‌های اعضای خانواده در محیط‌های کاری بیرون از خانه، مدرسه، دانشگاه و... کمتر بوده ضعف مهارت ارتباطی اعضای خانواده خود را کمتر نشان می‌داد ولی این حضور مشترک طولانی‌مدت نشان داد خانواده «بانشاط»داشتن که در آن تنش در حداقل ممکن باشد و تعارضات کمتر به اختلافات و خشونت‌ها به اشکال مختلف منجر شود، نیازمند داشتن مهارت‌هایی است که بدون یادگیری آن مهارت‌ها نمی‌توانیم «با صفا و صمیمیت و آرامش» کنار هم باشیم؛ از جمله این مهارت‌ها می‌توان به مهارت «گفت‌وگو در خانواده» اشاره کرد؛ مهارتی که باید آن را کسب کرد. با کسب این مهارت یاد می‌گیریم چگونه با سایر اعضای خانواده درست صحبت کنیم، چگونه سؤال بپرسیم و چگونه پاسخ سؤالات را بدهیم، به دیگر اعضای خانواده هنگام گفت‌وگو احترام بگذاریم، به تفاوت‌ها در گفت‌وگوها احترام گذاشته و توجه داشته باشیم. در کنار این مهارت، ضروری است مهارت‌های زندگی و ارتباطی را هم بیاموزیم تا بتوانیم در برقراری ارتبط بین‌فردی با اعضای خانواده درست رفتار کنیم، بتوانیم در مقابل استرس‌ها و هیجانات ناشی از این بحران و موضوعات دیگر خارج از شرایط بحران کرونا واکنش‌های منطقی نشان دهیم. بیاموزیم در این شرایط که قرار است مدت طولانی کنار هم باشیم، در مقابل موضوعات و نیازها و خواسته‌های همه چگونه تصمیم بگیریم که به حقوق همه توجه شود. چگونه خشم خود را کنترل کنیم که به نزدیک‌ترین عزیزان‌مان آسیب نزنیم. فراموش نشود زخمی که با انواع و اشکال مختلف خشونت ایجاد می‌کنیم آثار منفی ماندگاری خواهد داشت. بیاییم از امروز خود را برای کسب این مهارت‌ها مسئول بدانیم و گام برداریم و دانش و مهارت‌های خود را برای خانواده‌بودن افزایش دهیم تا لذت در کنار هم بودن در خانه را بیش‌ازپیش و بهتر از همیشه ببریم؛ لذتی که آثارش نه فقط در زندگی خودمان که در سایر نقش‌هایی که هر یک از ما در بیرون از خانه داریم نیز خود را نشان می‌دهد.

*رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

تحلیل

کرونا؛ شعوری ناشناخته

مینو مرتاضی‌لنگرودی

دو ماه پیش اگر کسی در بحبوحه اعتراضات و در هنگامه انتخابات و فضای پیشاکرونا به ما می‌گفت وجود شعورمندی خواهد آمد که تمامی قراردادها و مرزها و اعتبارات بشری و نظامات و قدرت انسانی مستقر را در کسری از زمان تجزیه کرده و فرو خواهد ریخت، نه تنها کسی باور نمی‌کرد که مورد تمسخر همگان قرار می‌گرفت. چه کسی باور می‌کرد ویروسی به نام «کرونا» نماینده را وادارد در پارلمان اسرائیل اذان مسلمانی سر دهد یا روحانیون مسلمان را وادار به تعطیلی نماز جمعه و جماعت کند یا میلیون‌ها انسان در جهان را به نیایش جمعی در ساعات معین وادار کند. چه کسی باور می‌کرد انسان‌های جهان از هر تیپ، طبقه، نژاد، مذهب، جنس و جنسیت برای زنده‌ماندن و نفس‌کشیدن آگاهانه و به اراده خود از دوست، آشنا، همسر و فرزندان دوری می‌گزینند تا زنده بمانند؟ و خنده‌آور بود اگر کسی می‌گفت این دوری‌گزیدن از هرکس، نشانه شعورمندی انسان عصر کرونا تلقی خواهد شد. بی‌شک اگر دو ماه پیش کسی می‌گفت به‌زودی پروتئین شعورمندی پیدا می‌شود که قادر است کاری کند که بخش وسیعی از آلودگی‌های انباشته صد سال اخیر در جهان در صد روز از زمین، هوا و فضا پاک شود، به دیده عاقل اندر سفیه به او نگاه می‌کردند. اکنون اما آن شعور غریزی طبیعی که چیزی بیش از یک ماده صرفا ژنتیک نیست، از اعماق تاریکی‌ها بیرون آمده و برای زیستن در روز روشن و در آغوش سلول‌های گرم و نرم آدمی تلاش می‌کند. کرونا مانند هر هستی شعورمندی دائما در جست‌وجوی فرصتی برای زیستن و بقاست.

رفتار کرونا همچون رفتار شکارچیان هوشمندانه است. او خونسرد و صبور روزهای طولانی در کمین می‌نشیند تا شکار را به چنگ آورد و به محض یافتن درون طعمه خویش نفوذ کرده و با استفاده از متابولیسم سلول زنده‌ای که از آن خود کرده برای تکثیر و بازتولید حیاتی خویش تلاش می‌کند. ظاهرا کرونا امروز دشمن ماست چون هنوز او را درست و دقیق نمی‌شناسیم و به شباهت‌های شعوری که با کرونا داریم پی نبرده‌ایم. یقینا به‌زودی شعور هستی‌مند آدمی هستی شعورمند کرونا را مانند میلیون‌ها باکتری و ویروس لانه‌کرده در بدن انسان کشف کرده و خواهد شناخت و با او به صلح و همزیستی خواهد رسید. به‌زودی ما با کرونا نیز دوست شده و در وجود یکدیگر ساکن خواهیم شد. مشروط بر آنکه باور کنیم شعور هستی‌مند انسان و هستی شعورمند کرونا هم‌جنس یکدیگرند و باور کنیم این ما بودیم که کرونا را از اعماق زمان فراخواندیم. زیرا انسان به مدد شعور خود می‌داند که برای تجدید حیات و بقای انسانی در شرایط پیچیده‌تر نیاز به رستاخیزی دارد که او را از گور عادات و ترس‌ها و فراموشی‌هایش برهاند و مهیای زندگی در فردای قیامت کند. اکنون کرونا به منزله صوری است که در شعور آدمیان دمیده شده است و آنان را به قیام برای خروج از گور فراموشی و نادیده‌انگاری و انکار طبیعت و هستی شعورمند خویش فرامی‌خواند. کرونا باعث شد به یاد بیاوریم نقطه مشترک انسان و جهان شعور است و رمز برتری انسان بر سایر موجودات در این است که انسان از شعور خود آگاه است. آدمیان اگر به هر دلیل و به هزار دلیل خود را به خواب نزنند و به انحطاط فراموشی دچار نشوند، نیک می‌دانند شعوری که هستی و بقای آنان را تشخیص می‌دهد، قادر است هر دشمن بشری را به دوست تبدیل کند و با آن هم‌زیست و هم‌خانه و هم‌نفس شود. از این رو بهتر است از کرونا تشکر کنیم که مارا از خواب غفلت و کمای مصرف بیدار و هوشیار کرد. او به یادمان آورد که قدر نعمت‌های بزرگ همچون سلامت و شادی‌های کوچک را بدانیم. چه بسا امروز قدر شادی درآغوش‌گرفتن، فشردن و بوسیدن یک دوست و قدر در کنار عزیزان یک چای نوشیدن یا حضور بی‌ترس از بیماری در عرصه کار و تلاش و تولید را بهتر از دو ماه قبل که با بحران کرونا مواجه نشدیم، می‌دانیم. تردیدی نیست به زودی با کرونا که اکنون دشمن ما به‌نظر می‌رسد به هم‌زیستی می‌رسیم و درون همدیگر زندگی می‌کنیم و با هم می‌میریم اما نیست و نابود نمی‌شویم، بلکه خاک می‌شویم. همان خاکی که هیچ نیروی مادی قادر به هماوردی با آن نیست. خاک شعورمند مهم‌ترین بستر حیات و تجدید حیات جهان و آدمی است زیرا خاک قادر است تمامی ترکیبات پلید را که منشأ بیماری‌ها و نجاسات هستند به عناصر بی‌آزار اولیه‌شان تجزیه و تبدیل کند. سرطان، ایدز و کرونا را به خاک می‌سپاریم، خاک آنها را به میوه‌های شیرین و مطهر و گل‌های زیبای معطر تبدیل کرده و به ما باز می‌گرداند. خاک نیز همچون کرونا و هر شعور هستی‌مندی در جهان، امید به زندگی در فردای قیامت را به انسان یادآوری می‌کند. آری پس از هر رستاخیز زندگی را با ظرفیت‌های افزایش‌یافته و شعورمندتر از قبل زندگی خواهیم کرد.

مغز اجتماعی -۱۰۹

نقد تقلیل‌گرایی علمی در دوران کرونایی

عبدالرحمن نجل‌رحیم
مغزپژوه

رخداد قابل توجه در رفتار همه حکومت‌ها، به‌ویژه در کشور خودمان، تأکید بر علمی‌بودن نحوه رویارویی با بحران کرونا است. سؤال اینجاست که چگونه دولت‌های سرمایه‌داری که در خنثی و بی‌طرف نشان‌دادن علوم طبیعی و جدا نگه‌داشتن آن از علوم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در طول تاریخ پیش‌قدم بوده‌اند و از منافع این جدایی، جهت پیشبرد مقاصد سیاسی و ایدئولوژیک خود در خفا استفاده کرده‌اند، هم‌اکنون اجازه می‌دهند تا نظرات علوم زیست‌شناسی (در اینجا ویروس‌شناسی و اپیدمیولوژی) در سیاست دخالت داشته باشد و به‌عنوان ابزاری برای جلب نظر مردم به کار گرفته شود. البته این اولین بار در تاریخ نیست که سیاست و حکومت از علم زیست‌شناسی بهره‌برداری ایدئولوژیک می‌کند. بخشی از این نمایش سیاسی را باید در رابطه با شانه خالی‌کردن دولت‌های سرمایه‌داری (با ساختارهای ظاهری متفاوت) از زیر بار مسئولیت تأمین امکانات بهداشتی و درمانی گسترده برای اکثریت فرودست جامعه و فشارآوردن به مردم برای عزلت‌گزینی- به‌ظاهر داوطلبانه و در باطن اجبارانه- برای تأمین سلامتی دانست؛ با اینکه معلوم است که این شرایط، معیشت افراد فرودست جامعه را به مخاطره خواهد انداخت. اما با همه این احوال، این سیاست به مردم نشان خواهد داد که از دست علم فعلا کاری ساخته نیست. برای مثال، در بحران همه‌گیری ویروس کرونا، نشان داده می‌شود که نه پیشگیری‌ای وجود دارد و نه درمانی قطعی. از طرف دیگر شاهد هستیم که نظام سرمایه‌داری جهانی، پژوهش‌های علمی در عرصه زیست‌شناسی و پزشکی را هر چه بیشتر به‌سوی روش‌های تقلیل‌گرایانه سوق می‌دهد؛ زیرا منافع سودورزانه کوتاه‌مدت اقلیت سرمایه‌گذار شرکت‌های بزرگ چندملیتی در بازار تولید و مصرف را تأمین می‌کند. البته این رویکرد تقلیل‌گرایانه در علوم زیستی، منتقدان زیادی در عرصه علم دارد. از جمله منتقدان این روش پژوهش را در علوم شناختی و مغزپژوهی اجتماعی امروز، فراوان می‌توان یافت. در روش تقلیل‌گرایانه علمی، کل را می‌توان مجموعه‌ای از اجزای همگن دانست و برای رسیدن به کل باید اجزای آن کل را تجزیه کرد تا به ماهیت کل دست یافت. البته این روش پژوهش پشتوانه هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی هم دارد که جای بحث آن در اینجا نیست. مشکل این روش پژوهش، در نادیده‌گرفتن ناهمگنی اجزا و فراتررفتن ماهیت کل از مجموعه اجزا است. در این روش، بدیهی است که اطلاعات در بسیاری از داده‌ها مخفی بماند یا گمراه‌کننده باشد. البته این روش امروزه در زیست‌شناسی مولکولی جایگاه ویژه‌ای دارد. برای مثال با همین روش‌هاست که می‌توان اجزای ویروس کرونا (کووید ۱۹) را بازشناخت. فراموش نکنیم که در عرصه ویروس‌شناسی و عفونی نیز بخشی از بودجه دولتی از منابع نظامی تأمین می‌شود. در سناریوی تقلیل‌گرایی علمی، ویروس کرونا با هاله و تاج ویژه خود، در هیئت دشمنی نامرئی، ناشناخته و غیرقابل‌دفاع از نظر ایمنی و درمان، در برابر سیستم ایمنی بدن هراس‌آلود انسان مورد تهدید قرار دارد. مشکل این روش این است که تمامی زیست‌شناسی پیچیده انسان را به چند متغیر ساده تقلیل می‌دهد. فراموش نکنیم که در سیستم ایمنی بدن ما سه تا پنج نوع لکوسیت محافظ در مقابل هزاران عامل آسیب‌رسان عفونی وجود دارد. بنابراین ما بر اساس اجزای ثابت سازنده این سه تا پنج نوع یاخته دفاعی نمی‌توانیم به پیچیدگی فعالیت پویا و دائما در تغییر و تحول آنها در ابعاد زمان و مکانی وسیع پی ببریم. یعنی روش پژوهش تقلیل‌گرایانه یک‌به‌یک خطی فقط بر اساس دستیابی به ساختار مولکولی ثابت آنها، کارایی کافی را ندارد. با این روش تقلیل‌گرایانه، اغلب تمامی احتسابات آماری خطی ما نیز با خطاهای تکرارشونده روبه‌رو می‌شود. به همین علت است که ۲۰ هزار مقاله علمی برای رویارویی با یک بیماری عفونی، ممکن است به‌طور تصادفی به یک داروی قابل استفاده اختصاصی منجر شود. این مشکل عمده در واکسن‌سازی برای پیشگیری از عوامل عفونی‌ای مانند ویروس کرونا نیز وجود دارد. یادآوری می‌شود که این روش تقلیل‌گرایانه در مورد ویروس ایدز، پس از ساختن بیش از هزار نوع نمونه پروتئینی عاقبت به نتیجه دلخواه نرسیده است و بیش از ۴۲ درصد پژوهش‌ها بی‌نتیجه رها شده است. پادتن‌ها (آنتی‌بادی)های تولیدشده در بدن ما اغلب چندمنظوره و برای شناسایی آنتی‌ژن‌های مختلفی هستند که تنها بعضی از آنها می‌تواند عامل بیماری‌زا را خنثی کنند. واقعیت این است که فقط با استفاده از روش مهندسی ژنتیک و رسیدن به ساختار ایستا و غیرپویای مولکولی نمی‌توان به نتیجه دلخواه مؤثرتر و کاراتر در پیشگیری و درمان عوامل آسیب‌رسان ویروسی رسید. اما در همین شرایط چهار کمپانی داروسازی عظیم که بر بازار واکسن‌سازی تسلط انحصاری دارند، فقط در سال گذشته ۳۰ میلیارد دلار واکسن فروخته‌اند. باوجوداین هنوز حاضر نیستند که در تولید واکسن کرونا همکاری کنند. این کمپانی‌ها که با انحصار فروش واکسن به سود سرشاری رسیده‌اند، حال با دخالت بخش‌های دولتی و غیرانتفاعی و احتمال مجبورشدن به ارزان‌فروشی یا در انحصار نداشتن طولانی‌مدت فروش واکسن، رغبتی در مشارکت از خود نشان نمی‌دهند. تصور کنید که همین ماجرا نیز در مورد ساخت دارو برای درمان کرونا وجود دارد. آیا با این شرایط شما فکر نمی‌کنید که در دوران پساکرونایی نیز در نهایت برنده اصلی ماجرا، اقلیت ثروتمند سرمایه‌دار خواهند بود و بازنده، همان اکثریت اقشار محروم و فرودست جوامع در سرتاسر دنیا؟ و اینکه هنوز روش تقلیل‌گرایی شیوه مطلوب علمی نظام سرمایه‌داری برای سوددهی اطاعت‌طلبانه خواهد بود؟

رسانه

کرونا و تحدید مطبوعات

در روزهایی که همه گمانه‌زنی می‌کنند بحران کرونا می‌تواند نظم جدیدی را بر دنیا حاکم کند، اوضاع برای بعضی گروه‌ها و مشاغل همیشه تحت فشار، به سیاق قبل می‌گذرد. هفته گذشته سازمان ملل در گزارشی از افزایش خشونت خانگی علیه زنان در روزهای قرنطینه و درگیری کرونا خبر داد. در ایران هم روزنامه‌نگاری یکی از مشاغلی است که همیشه با فشارها و خطوط قرمز زیادی مواجه بوده است. این خطوط قرمز به نظر در دوران سلطه کرونا هم همچنان در حال فعالیت هستند. در چندوقت اخیر خبری از شکایت یک نهاد دولتی از یک روزنامه‌نگار محلی در رسانه‌ها منتشر شد. ماجرا به سلسله گزارش‌هایی بازمی‌گردد که چند روزنامه‌نگار گیلانی در شبکه اجتماعی رسانه‌هایشان درباره منشأ شیوع کرونا در گیلان می‌نوشتند. شیوع کرونا در گیلان کمی عجیب بود و شاید این عجیب‌بودنش در حجم بالای اخبار ناشی از گسترش این بیماری در کشور در روزهای نخست گم شد. اگرچه اولین خبرها از شیوع کرونا در ایران به قم بازمی‌گردد، اما گیلان هم خیلی زود و با شدت زیادی از سطح درگیری شاهد گسترش کرونا بود. خیلی‌ها احتمالا این موضوع را به قم ارتباط می‌دادند، ولی خب اینکه در میان همه این استان‌ها چرا باید گیلان با این سطح از درگیری با بیماری مبارزه کند جای سؤال بود. جست‌وجوی اخبار نشان می‌دهد که خیلی قبل‌تر از اعلام رسمی شیوع کرونا در ایران، نشریات محلی گیلان نسبت به برگزاری مسابقات وزنه‌برداری جام نامجو با حضور تیمی از چین و ارتباطش با شیوع کرونا در کشور هشدار داده بودند. اگرچه خود چینی‌ها عقل کردند و تیمشان را به این رقابت‌ها نفرستادند، اما حضور دو بانوی چینی برای برگزاری کارگاهی در حاشیه این رقابت‌ها موجب شد تا خیلی‌ها ابراز نگرانی کنند. سماجت رسانه‌های محلی در گیلان اما در نهایت منجر به شکایت سازمان ورزش استان از صاحب مقصودی و سعید علیپور، دو روزنامه‌نگار محلی و باسابقه گیلانی شد. مقصودی در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید در این ماجرا ابهامات زیادی وجود دارد. اگر سازمان ورزش می‌گوید که از این دو بانوی چینی آزمایش به عمل آورده و مشکلی نبوده، اسنادش را منتشر کند. به‌هرحال ما می‌دانیم که تاریخ برگزاری این رقابت و تست‌های به‌عمل‌آمده قبل از ورود کیت‌های تشخیصی به ایران است و خب طبیعی است که این شبهه ایجاد شود و ما و افکار عمومی پاسخی در این زمینه بخواهیم. مقصودی همچنین از واکنش نهاد صنفی خانه مطبوعات گیلان هم در این زمینه انتقاد کرد و گفت عجیب است که بعد از ماجرای طرح شکایت از ما، گروه‌های مختلف مردمی، برخی وکلا و همچنین قضات منطقه ابراز لطف کردند و به ما مشاوره دادند و حتی اعلام کردند هزینه پرونده را کاملا تقبل می‌کنند و از ما حمایت کردند. اما درمقابل خانه مطبوعات با صدور بیانیه‌ای علیه ما، جست‌وجوی ما برای کشف حقیقت را با لیبل نشریه زرد طرد کرد و از ما انتقاد هم کرد. مقصودی می‌گوید در میان مسئولان کشوری هم این شائبه وجود دارد که منشأ کرونا در ایران تنها قم نبوده و قم و گیلان دو منشأ گسترش این بیماری در کشور بودند و حداقل این مسئله نزد آنها در دست بررسی است.